

مصطلحاتی می‌چسبند)

به پاسخ مسئله مطروحه می‌پردازم :

در مباحثات متعدد چند سال اخیر تقریباً همه ما به این توافق رسیده ایم که حضور مجدد حزب وطن فقط و فقط از طریق تدویر مجمع عمومی حزب وطن (در اساسنامه حزب وطن همین اصطلاح ذکر گردیده است) مشروع و ممکن است. ما همه ما به این واقف و موافقیم که هیچ یک از تشکلات و جزایر و اعضای غیر متشکل مربوط حزب وطن به تنهایی نه صلاحیت و نه امکانات دعوت و تدویر مجمع عمومی حزب وطن را دارند. اما در مورد میکانیزم و راهکار رفتن به مجمع عمومی تفاوت و حتی اختلاف نظر جدی وجود دارد که باید اصولاً و در عمل رفع گردد. من به مثابه یک عضو حزب وطن رؤس عمده این میکانیزم را من حیث یک طرح پیشنهادی به همه تشکلات و اعضای غیر متشکل حزب وطن که در فوق از آنها تذکاری به میان آمد به منظور تعمق بیشتر و عملکرد همگانی ما تقدم میدارم (این طرح را من در اجلاس شورای تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن در هالند با تفصیل نسبتاً بیشتر و کتبی ارائه نمودم) :

- به ابتکار یکی از تشکلات فوق الذکر و یا تفاهم مشترک ذات البینی ، اجلاس نمایندگان با صلاحیت تشکلات و کادرهای غیر متشکل مربوط حزب وطن ، با قید زمان در شهر کابل دعوت و دائر گردد .

- در اجلاس متذکره روی چگونگی ادغام و توحید سازمانی همه شمول اعضای متشکل و غیر متشکل حزب وطن بر مبنای پرنسیب های اصلی اساسنامه و برنامه عمل حزب وطن با قید زمان فیصله نهائی صادر گردد . (ما نباید تجارب تلخ وحدت مصنوعی دیروزی را تکرار نماییم .)

- اجلاس متذکره نه بر مبنای سهمیه ها بلکه بر مبنای ضرورت و توانمندی ، کمیسیون

مشترك و با صلاحیت مستقر در کابل را انتخاب نماید که هم پروسهء ادغام ، توحید و راجستر را تامین و هم کنفرانس یا جلسهء نمایندهء شوراهای توحید شده حزب وطن را بر مبنای دیموکراتیک و با قید زمان در شهر کابل دعوت و تدویر نماید .

- کنفرانس یا اجلاس نماینده ، کمیسیون عالی تدویر مجمع عمومی را که عالیترین مقام با صلاحیت حزب وطن الی تدویر مجمع عمومی خواهد بود انتخاب نماید .

- کمیسیون عالی تدویر مجمع عمومی حزب وطن مسوده اسناد دارای اهمیت دور نمائی حزب وطن را تهیه و به نظر خواهی همهء اعضای حزب و همهء مردم افغانستان به نشر رسانیده و در مدت حد اکثر شش ماه بر مبنای مشارکت دموکراتیک نمایندگان منتخب و راجستر شده شوراهای حزب وطن ، مجمع عمومی حزب وطن را تدویر نماید .

- همه اعضای حزب وطن الی تدویر مجمع عمومی حزب وطن دارای حقوق و مکلفیت های مساوی بوده مقام های سابقه حزب وطن و مقامات فعلی تشکلات مربوط حزب وطن معیار یا مانعی در انتخاب کادر های شایسته بوده نمیتواند .

- داکتر نجیب الله رهبر فکری - سیاسی ما (نه رهبر عقیدتی) است و خواهد بود اما نباید به مثابه پیش شرط مشارکت بر دیگران تحمیل گردد .

- آن عده احزاب و سازمان های جدا شده از بدنه حزب وطن که در کتگوری سوم این نوشته تذکار یافته اند ، در صورتیکه به انحلال رسمی سازمان های خود توافق و تعهد نمایند در پروسه فوق الذکر مانند سایر اعضای متساوی الحقوق و وجائب حزب وطن میتوانند مشارکت نمایند .

بدینگونه است که ما ظرفیت های بزرگ حزب وطن را برای اعمار مجدد «خانوادهء بزرگ مان افغانستان» دخیل ساخته و برای نخستین بار مؤفق خواهیم گردید که يك حزب واقعا دیموکراتیک ، غیر توتالیتار، واحد و متعهد به وطن را نه به ارادهء رهبران سفارش شده ، نه

از بالا به پائین ، و نه هم متشکل از پارچه های پینه شده بلکه با اتکا بر اراده هر عضو حزب وطن بنیان گزاریم .

من به نوبه خود آماده ام تا جزئیات بیشتر این میکانیزم را در اختیار شما همفکران گرامی قرار دهم .

- اما در مورد آنچه بنام « گزارش جلسه شورای تشکیلات مؤقت انسجام اعضای

حزب وطن در خارج» از طریق سایت وزین « پیام وطن » بتاريخ ۳ برج - می - سال جاری منتشر گردیده است ناگزیرا اندکی تاءمل نمایم :

واقعیت امر اینست که من تصمیم نداشتیم تا حل اختلافات موجود با برخی «دوستان» در تشکیلات مؤقت را و لو پرنسیبی هم بوده باشد از طریق مطرح ساختن در رسانه ها جستجو

نمایم ، اکنون هم نمیخواهم آب به آسیاب « مفرزه های بنیادگراها » و «تاریک

اندیشان بی پندار» بریزم و همه « گپ های درون» را به « بیرون» بکشانم . چون اختلاف

و تنوع نظریات در محدوده مبادی و پرنسیب های مشترک در هر تشکل و سازمان نه تنها یک امر طبیعی بلکه در بسا موارد ضروری هم است .

ولی اکنون که «دوستان» خود با عجله و سراسیمگی تقلاء و دق الباب نمودند تا توجه را از

«التهابات سرطانی درونی» به «بیرون» بر گردانند و پوششی برای «ناکردنی هائی» خود

دریابند مرا بدان واداشت تافقط يك بخشی از عناوین مربوط به اختلافات ما با عملکرد يك

عدهء محدودی از گردانندگان تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن (عمدتا در خارج)

را با شما همزمان عزیز اعم از اعضای متشکل و غیر متشکل حزب وطن مستقیما مطرح

نمایم. آنهم نه به هدف تقابل و « انفصال» و نه هم برای تثبیت «ملامت» و «سلامت» بلکه به

هدف جستجو و دریافت راه بیرون رفت از بنبست موجود دایره مانند همه ما میباشد .
اختلاف ما با «عده محدود» نه شخصی و سلیقوی بلکه بر مبنای ایدئالها و اصولی است که
حزب وطن بر مبنای آن تا سیس و بر همین مبانی بایست بازسازی گردد . ما مدت های
طولانی سعی نمودیم تا از طریق مباحثات و مشوره های مستقیم ، پیشنهادات شفاهی و کتبی
، تبادل نظر جمعی حاد در جلسات حزبی از جمله در اجلاس اخیرین مرجع باقیمانده رسمی
تشکیلات مؤقت در خارج به مداوای بیماری های مزمن سیاسی و تشکیلاتی بپردازیم . اما
مساعی ما متنا سفانه به نتیجه امیدوارکننده نیانجامید لذا در همچو يك حالت ادامهء عضویت
خود را در تشکیلات مؤقت مقیم خارج نه به نفع وطن ونه هم حزب وطن دانسته ، با حفظ
عضویت پر افتخار حزب وطن با کمال صمیمیت و صراحت اینجانب و محترم کبیر کمال
استعفای خود را (نه انفصال) از عضویت تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن در
خارج بصورت جداگانه تقدیم نمودیم .

شمهء بسیار مؤجز برخی از عناوین این اختلافات و تخلفات را که در بعضی موارد من هم

شريك تقصیر هستم به اختصار بر میشمارم :

- کمسیون ^{بعدها} و تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن به عوض اینکه در کوتاه مدت
نخستین مکلفیت انسجامی و توحیدی را انجام داده و در شوراهاى مؤقت و سرتاسرى
حزب وطن از طریق میکانیزم های اصولی تشکیلاتی در داخل کشور مدغم گردد ، با اراده
گرائی و انحصار طلبی غیر مجاز ، خود را جای نشین نا اعلان شده حزب وطن قرار داده
و اینک بیش از ۸ سال است که هم خود درین دایره سر بسته سرگردان است و هم باعث ایجاد
بحران عمیق اعتماد و اعتقاد در میان دیگر اعضا و تشکلات مربوط حزب وطن گردیده است .
- بعد از تاسیس تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن در خارج ، پروسهء انقسام

وانشعابات جمعی اعضای حزب وطن از درون تشکیلات مؤقت آغاز و استمرار یافته، که با تاسف و درد فراوان علل و عوامل را فقط میتوان در عملکرد گردانندگان آن سراغ نمود .
- تمام اجراءاتیکه در يك سال اخير در غیابت سه ساله جلسات شوری و غیابت یکساله جلسات هیئت اجرائیه آن تحت عناوین « مرامنامه و اساسنامه مؤقت »، « کمیسیون تدویر مجمع عالی حزب وطن »، « درجنی از کمیسیونهای دیگر مجمع های عالی » و « ادغام تشکیلاتی در حزب دیگر » صورت گرفته ، تخطی مدهشی از اصول و پرنسیب های نه تنها حزب وطن بلکه تخطی آشکار از اصول و ضوابطی اند که تشکیلات مؤقت، مؤقتا برای خود وضع نموده بودند .

- کتمان حقائق از اعضا و رهبری تشکیلات مؤقت و جعل صحنه ها و آمار .
- مسائل با اهمیت زیاد دیگری نیز وجود دارد که من فعلا از تذکار آن عمداً صرف نظر مینمایم
آن هم به امید اینکه این دوستان از مدهوشی و بیخودگی فرسایشی برآیند و
دوشادوش سائر اعضای همفکر و همرمز حزب وطن خود رسالت حزبی و ملی خویش را به وجه احسنتر و باز نگری شده انجام دهند .

در اختتامیه سخن :

دوستان محترم !!!

ما همه با هم فرصت های زیادی را که نمیباید ضایع میگردید بهدر داده ایم . ما قبل از خود و حزب وطن در قبال وطن به خون آغشته خود صرف رسالت نه بلکه مسئولیت داریم ، چون رخ هموطن ما یوس شده ما دقیقاً بسوی ما است . و دیگر اینکه ادامه کار تشکلات از هم مجزای کنونی نه تنها در امر انسجام و توحید اعضای حزب وطن ممد نیست بلکه خود به مانعی در برابر این امر بس حیاتی مبدل گردیده است . لذا من بدین وسیله به همه شما -

راهروان راه نجیب الله، پاسداران قلم به دست مصالحه ملی - اعضای متشکل و غیر متشکل حزب وطن و به خصوص به اعضا ورهبری این تشکلات :

- تشکیلات موقت انسجام اعضای حزب وطن

تشکیل اعضای حزب وطن و دوست محترم ... که به نمایندگی این تشکل در کابل با

اینجانب تبادل نظر مفصل داشت

- کمیته انسجام برای ^{جی‌ای} فعالیت حزب وطن

- کمیسیون مؤقت انسجام اعضای حزب وطن و سائر نیروهای وطن دوست

- کمیسیون وحدت و تفاهم حزبیهای حزب وطن

- صفوف حزب وطن

- حزب ملی وطن

- حزب ترقی ملی افغانستان

- محترم انجینر نظر محمد ، محترم داکتر سیدحمیدالله روغ ، محترمه داکتر فتانه

نجیب ، جناب غلام سرور یورش ، محترم عبد المجید سر بلند و نوات محترمی

که من در کابل صحبت های مفصل و آموزنده با آنها داشتم ولی بد لایلی اسمای

ایشان را ننوشتم :

صمیمانه و صادقانه مراجعه نموده و احترامانه ولی مصرانه تمنا مینمایم که معروضه فوق

الذکر را با تمام کمبودها و کاستیهای آن (چون نویسنده نیستم و اگر هم چیزی نوشته ام

اکثرا به لسان ملی پشتو بوده اند) مورد غور و تعمق دلسوزانه قرار داده و خود نیز فعالانه

در وصل بلا فصل «این خانواده واحد» وسیله شوند. زمان به ما منتظر نمیاند ، ما بایست

با «زبان» همگام شویم.